

Study of Landslides using electrical resistivity tomography (ERT) in the Kiasar-Semnan road, Iran

Emami, R.¹ 🖾 🕩 | Rezapour, M.² 🕩 | Faraji, M.³ 🕩

1. Corresponding Author, Department of Seismology, Institute of Geophysics, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: rezaemami@alumni.ut.ac.ir

2. Department of Seismology, Institute of Geophysics, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: rezapour@ut.ac.ir

3. Expert of Technical & Soil Mechanics Lab.co., Tabriz, Iran. E-mail: m-faraji@tsml.ir

(Received: 3 Feb 2022, Revised: 4 Sep 2022, Accepted: 10 Jan 2023, Published online: 14 June 2023)

Summary

Landslides may be considered a common natural hazard. The events in many cases lead to significant economic losses as well as fatality damages. Therefore, the Investigation of landslides in order to reduce damage in the preliminary studies of construction projects, especially linear structures in areas with landslide potential is of great importance. Electrical tomography or electrical resistivity tomography (ERI) is a geophysical technique for imaging sub-surface structures (sliding surface in this case) from electrical measurements made at the surface or boreholes. In recent decades, geophysical methods have been widely used in landslide investigations. Among the geophysical methods, ERT is very useful for landslide investigation. In this study, after the landslides in the Langar and TelmaDarreh regions which two sections of Kiasar-Semnan road were destroyed by these landslides, field surveys were conducted on the sites. In this study, a total of six ERT profiles were carried out for landslides (four profiles on Langar and two profiles on TelmaDarreh landslides) investigation. All ERT profiles were performed normally in the direction of the landslide. The Langar Landslide (located in the Langar region in Mazandaran province) occurred on the Kiasar-Semnan road at longitude 53 36 02 and latitude 36 13 03. Due to this landslide, about 300 meters of the Kiasar-Semnan main road was completely destroyed. The TelmaDarreh landslide (located in the TelamaDarreh region in Mazandaran province) also occurred on the Kiasar-Semnan road at latitude 53 41 38 and latitude 36 14 59. After the landslide, about 20-30 meters of the Kiasar-Semnan main road sunk and has been repaired. In this study, the first stage in our electrical tomography was sending an electric current into the ground based on different arrays (dipole-dipole, pole-pole arrays, and Vertical Electrical Sounding) and then measuring the response of the earth in voltage. Bad data points were easily viewed as they appeared as stand out points because the values were displayed in the form of profiles for each data level. These bad data points could be due to the failure of the relays at one of the electrodes, poor electrode ground contact due to dry, sandy, or stony ground, attaching electrodes to wrong connectors, or shorting across the cables due to very wet ground conditions. In the next step for building the inversed resistivity model, the algorithms of well-known IPI2win and Res2dinv software were used.

It should be noted that geoelectrical techniques (such as ERT), like other geophysical methods, are used as a complement to other geotechnical methods such as drilling and sampling. Therefore, is noted that the results obtained are based only on the interpretation of electrical resistivity data. In the Langar landslide, according to the results of ERT models and the geology of the region, the existence of four main layers in sections was determined. The electrical resistivity tomography technique showed that the first layer is characterized by very low electrical resistivity (less than 20 ohmmeters) on the sections. This layer of clay is saturated with water. The second layer is with low electrical resistivity (20 to 100 ohmmeters). This layer is most likely a sand-clay layer with watersaturated sand. The third layer is with medium electrical resistivity (100 to 300 ohmmeters). This layer is composed of dense wet sand. The fourth layer has high electrical resistivity (more than 300 ohmmeters). This layer is the bedrock of the area. The depth of the bedrock increases along with the landslide mass from the landslide crown to the landslide heel so that the depth at the landslide center (middle of the valley) varies from 25 m (GH profile center) to 60 m (AB profile center) from the ground surface. The bedrock is located in the center of the landslide from the floor of the old road at a depth of about 50 to 60 meters. It is likely that the presence of a watersaturated clay layer on a layer of dense wet sand caused the Langar landslide in the area. Probably the rupture level starts from about 12 meters in the center of the GH profile and continues with 15 meters in the center of EF and reaches about 25 meters in the center of AB. The depth and topography of slip surfaces have been determined and expressed in all sections.

In the landslide of TelmaDarreh at the southern shoulder of the road, the depth of the bedrock starts from at least 2 meters in the center of the landslide and reaches about 6 to 8 meters so that the separation surface between the clay mass and saturated sand with the bedrock is broken. In this place, the depth of rupture in the center of the landslide is about 8 meters from the road surface. Due to the slope of the mountain, this depth reaches about 20 meters above the road at the bottom of the road and at the location of the CD profile.

Keywords: Electrical Resistivity Tomography (ERT), Kiasar-Semnan road, Landslide, Langar and TelmaDarreh, Sliding surface.

Cite this article: Emami, R., Rezapour, M., & Faraji, M. (2023). Study of Landslides using electrical resistivity tomography (ERT) in the Kiasar-Semnan road, Iran. *Journal of the Earth and Space Physics*, 49(1), 15-34. DOI: http://doi.org/10.22059/jesphys.2023.338184.1007401





نشانی اینترنتی مجله: http://jesphys.ut.ac.ir

مطالعه مناطق لغزشی با روش توموگرافی مقاومت الکتریکی (ERT) در جاده کیاسر – سمنان، ایران

رضا امامی ٔ $^{m{ imes}}$ | مهدی رضاپور ٔ | محمد فرجی ٔ

۲. **نویسنده مسئول**، گروه زلزلهشناسی، مؤسسه ژئوفیزیک، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: rezaemami@alumni.ut.ac.ir
 ۲. گروه زلزلهشناسی، مؤسسه ژئوفیزیک، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: rezapour@ut.ac.ir
 ۳. آزمایشگاه فنی و مکانیک خاک، تبریز، ایران. رایانامه: m-faraji@tsml.ir

(دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۴، بازنگری: ۱۴۰۱/۶/۱۳، پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰، انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۳/۲۴)

چکیدہ

زمین لنزشها به عنوان حوادث طبیعی رایج، در بسیاری موارد منجر به زیانهای اقتصادی قابل توجه و حتی تلفات جانی میشود؛ بنابراین بررسی زمین لنزشها به منظور کاهش خسارات ناشی در مطالعات اولیه پروژههای عمرانی مخصوصاً سازههای خطی در مناطق دارای پتانسیل زمین لنزش از اهمیت بسزایی برخوردار است. به همین منظور پس از وقوع زمین لنزش در مناطق لنگار و تلمادره که موجب تخریب قسمتهایی از جاده کیاسر-سمنان در استان مازندران شد، تحقیقات توموگرافی الکتریکی دوبعدی برای تشخیص سطح لنزش و توده ناپایدار در محل زمین لنزشها صورت گرفت تا در ساخت جاده جدید ملاحظات لازم در نظر گرفته شود و از بروز خسارات بیشتر جلوگیری به عمل آید. در این تحقیق ابتدا دادههای مقاومت ویژه الکتریکی در ۶ پروفایل با آرایههای دوقطبی-دوقطبی، قطبی-قطبی و سونداژ مقاومت ویژه الکتریکی با آرایه شلومبرژه برداشت شد. در مرحله دوم دادههای صحرایی با استفاده از نرم[فراهای Res2dinv] و اوارون و سپس نتایج مورد تفسیر قرار گرفتند. نتایج حاصل از توموگرافی مقاومت الکتریکی (RTT) در زمین لنگار با توجه به خروجی مدل های مقاومت ویژه الکتریکی و زمین شناسی منطقه، وجود ۴ لایه اصلی در مقطعها را نشان می دهد. همچنین مطالعه نشان داد در زمین لنزش تلمادره سطح جدایش بین توده رس و شن و ماسه اشباع با سنگ بستر نوموگرافی مقاومت الکتریکی (ERT) در زمین لنگار با توجه به خروجی مدل های مقاومت ویژه الکتریکی و زمین شناسی منطقه، وجود ۴ لایه سطح گسیختگی زمین لنژش می منظور می مالعه نشان داد در زمین لنژن تلمادره سطح جدایش بین توده رس و شن و ماسه اشباع با سنگ بستر نمایش یک مدل کلی ارائه شده است.

واژه های کلیدی: توموگرافی مقاومت الکتریکی (ERT)، جاده کیاسر-سمنان، زمین لغزش، لنگار و تلمادره، سطح لغزش.

۱. مقدمه

بنا به تعریف زمین لغزش عبارت است از حرکت ناگهانی یا تدریجی تودهای از لایههای سطحی زمین در امتداد شیب توپوگرافی که در اثر نیروی جاذبه زمین صورت میگیرد. از آنجاکه این پدیده در مواردی با خسارت قابل توجه مالی و جانی همراه است، مطالعه مناطقی که زمینه وقوع زمین لغزه در آنها وجود دارد اهمیت زیادی دارد. عوامل زیادی از جمله ساخت و جنس زمین شناسی، بارش باران، درجه حرارت و تغییرات آن، آبهای زیرزمینی و پوشش گیاهی در ایجاد زمین لغزش مؤثرند. علی رغم وجود طبقه بندی های زیادی برای زمین لغزش، ساده ترین و رایج ترین طبقه بندی را وارنز زمین لغزش، ساده ترین و رایج ترین طبقه بندی را وارنز

نوع حرکت مواد و نوع مواد درگیر در حرکت، تقسیمبندی شدهاند. تقسیمبندی توسعهیافته توسط کرودن و وارنز (۱۹۹۶) بر اساس تقسیمبندی وارنز (۱۹۷۸) انجام گرفت که نتایج آن در جدول ۱ آمده است (حفیظی و همکاران، ۱۳۸۹).

تأثیر زمین لغزش ها به سازه های خطی (نظیر جاده ها، بزرگراه ها و راه آهن) به علت طویل بودن و عبور از مناطق متفاوت با خصوصیات زمین شناسی متفاوت بیش از سازه های متمرکز است. خسارت جانی و مالی حاصل از زمین لغزه ها، هنگام بهره برداری از سازه های خطی، نتیجه حذف کردن یا بی توجه بودن به پارامتر های زمین شناختی مؤثر بر این سازه ها هنگام انتخاب مسیر ساختگاه است

استناد: امامی، رضا؛ رضاپور، مهدی و فرجی، محمد (۱۴۰۲). مطالعه مناطق لغزشی با روش توموگرافی مقاومت الکتریکی (ERT) در جاده کیاسر- سمنان، ایران. *مجله فیزیک زمین و فضا*، ۱۹۰(۱)، ۱۵–۳۳. DOI: http://doi.org/10.22059/jesphys.2023.338184.1007401



زمین لغز ش ها یدیده های پیچیده ای هستند که مطالعه آن ها لزوماً مستلزم یک رویکرد چند رشتهای مبتنی بر طیف وسیعی از مشاهدات از جمله نقشهبرداری، زمین شناسی و ژئومورفولوژیکی، بررسیهای ژئوتکنیکی و ژئوفیزیکی، بررسیهای ژئودتیکی، مشاهدات ماهوارهای و تجزیهوتحلیل دادههای هواشناسی است (پرونه و همکاران، ۲۰۰۶؛ کاواباتا و باندیباس، ۲۰۰۹؛ دی باری و همکاران، ۲۰۱۱). ادغام تکنیکهای مختلف باید به ما اجازه دهد که اطلاعات مفیدی را برای تمام مراحل چرخه زمین لغزش بهدست آوریم و بر اشکالات هر روش اعمال شده غلبه کنیم. در چندین دهه گذشته، روشهای ژئوفیزیکی به دلیل ویژگیهای اصلی خود مانند انعطافپذیری، هزینه کم و دستیابی سریع، دادههای با وضوح بالا و امکان بررسی یک منطقه بزرگ در مقایسه با سایر روشها به کاربردیترین تکنیکها در طیف وسیعی از مطالعات زیستمحیطی تبدیل شدهاند (جانگمانز و گارامبويز، ۲۰۰۷). يکی از اين رويکردها به بررسی زمين-لغزش ها اشاره دارد که در آن ژئوفیزیک پتانسیل زیادی برای کارایی خود نشان داده است.

در ایران زمین لغزش ها همیشه مشکل آفرین بودهاند. ایران با توپوگرافی عمدتاً کوهستانی، فعالیت زمینساختی و لرزهخیزی زیاد، شرایط متنوع زمین شناسی و اقلیمی، عمده شرایط طبیعی برای ایجاد طیف وسیعی از زمین لغزهها را دارد. این پدیده همهساله در اکثر استانهای کشور بهویژه استان های شمالی موجب خسارات اقتصادی فراوانی به صنعت، جنگلها و مراتع، مزارع و خانههای مسکونی می شود. اکثر جاده های استان مازندران در رشته کوه های البرز كوهستانى واقع شدهاند. به دليل ساختارهاى پيچيده زمین شناسی رشته کوه البرز و فرسایش پذیری بسیار بالای این منطقه به دلیل رطوبت و بارندگی زیاد لغزشهای بسیار زیادی در اکثر جادههای استان مازندران دیده می شود. در استان مازندران به دلیل لغزش های فراوان شاهد مسدود شدن جاده و نقص در حملونقل هستیم. وجود گسلها و شکستگیهای فراوان، شیبهای تند، بارندگیهای فراوان و لایههای مارنی و شیلی متعلق به دوره ميوسن موجب تشديد اين فرآيند مي باشد (درويش زاده، ۱۳۸۵).

(حفيظي و همكاران، ١٣٨٩).

		نوع مواد				
نوع حركت			سنگ بستر	خاکھای مھندسی		
			عمدتاً ريز	عمدتاً درشت		
سقوط			سقوط سنگ	سقوط خاک	سقوط واريزه	
واژگونی			واژگونی سنگ	واژگونی خاک	واژگونی واریزه	
لغزشها	چرخشى		ريزش سنگ	ریزش خاک	ريزش واريزه	
	انتقالى	واحد كم	لغزش بلوک سنگ	لغزش بلوک خاک	لغزش بلوك واريزه	
		واحدهاي زياد	لغزش سنگ	لغزش خاک	لغزش واريزه	
گسترشهای جانبی			پخش سنگ	پخش خاک	پخش واريزه	
			جريان سنگ	جريان خاك	جريان واريزه	
جريانها			بھمن سنگ	-	بهمن واريزه	
			(خزش عميق)	(خزش خاک)		
پیچیده و مرکب			ترکیب دو یا چند نوع حرکت اصلی در زمان و/یا مکان			

جدول ۱. دستهبندی زمین(لغزشها بر مبنای طبقهبندی کرودن و وارنز (۱۹۹۳).

افقى مقاومت الكتريكي را نشان مىدهد. بررسىهاى سهبعدی زمانبر، پرهزینه، دشوار و معمولاً در شرایط توپوگرافی با شیب کمتر از ۲۰ درصد تکمیل می شوند (پرونه و همکاران، ۲۰۱۴؛ کاپیزی و مارتورانا، ۲۰۱۴). عواملی مانند وجود خاک رس، درجه اشباع و شدت هوازدگی در سنگها بر مقاومت الکتریکی تأثیر می گذارد. ازاینرو، این روش بهاندازه کافی برای شناسایی و رمزگشایی ساختارهای زیرسطحی حساس است (کولای و همکاران ۲۰۱۸). بررسی های ERT دوبعدی را میتوان برای انواع مختلف زمین لغزشها (انتقالی، چرخشی و غیرہ) و شرایط زمین شناسی (سنگ، خاک و ترکیبی از هر دو) مورد استفاده قرار داد که طیف وسیعی از کاربردها را شامل میشود. مطالعات قبلی نشان دادهاند که هندسه سطح لغزش و ساختارهای تغییرشکل زمین لغزش را می توان با استفاده از ERT دوبعدی شناسایی کرد و تعیین این ویژگیها منجر به شناسایی جامع یک زمین لغزش می شود (لوک، ۲۰۰۴؛ دی باری و همکاران، ۲۰۱۱؛ مریت و همکاران، ۲۰۱۴).

اگرچه این روش از دهه ۱۹۷۰ مورد استفاده قرار گرفته است. اذعان می شود که پیشرفت علمی در بررسی زمین-لغزشها ناشى از توموگرافى مقاومت الكتريكى است كه به نظر میرسد ابزاری مفید و تکنیکی مناسب برای مطالعه برخی از ویژگیهای زمین لغزش با تمرکز بر هندسه، ساختار داخلی، سطح شکست، محتوای آب، خواص فیزیکی مواد زمین لغزش و حرکت تودهای رانش زمین باشد (مک کان و فورستر، ۱۹۹۰؛ هک، ۲۰۰۰؛ لاپنا و همکاران، ۲۰۰۵). این روش دارای قدرت تفکیک زیاد، قابلیت برداشت سریع دادهها و هزینههای اندک میباشد. بهعلاوه روشهای مدلسازی پیشرفته نیز در این زمینه موجود است (لوک و بارکر، ۱۹۹۶ و پاتلا، ۱۹۹۷) که تفسیر دقیقتر را در مناطقی که از نظر زمین شناسی پیچیدهاند ممکن میسازد. روشهای توموگرافی الکتریکی تطابق خوبی با اطلاعات زمینشناسی و چاهپیمایی و نمونههای مغزهای نشان میدهند.

در دهههای اخیر، روشهای ژئوفیزیکی به طور گسترده در تحقیقات زمین لغزش استفاده شده است. این روش ها برای تعیین ضخامت رسوبات آبرفتی، سرعت موج برشی، فرکانس بنیادی، عمق سنگ بستر، سطح آب زیرزمینی، سطح لغزش و غیرہ در مناطق لغزش به کار میروند (چوببستی و همکاران، ۲۰۱۳؛ رضایی و همکاران، ۲۰۱۵؛ فرسارد و همکاران، ۲۰۱۶؛ رضایی و چوببستی، ۲۰۱۷؛ رضایی و همکاران، ۲۰۱۸). روشهای ژئوفیزیکی در مقایسه با روشهای ژئوتکنیکی سریع، کمهزینه و غیرمخرب هستند و میتوانند مناطق وسیعی را بررسی کنند. ازاینرو، علاقه عمومی به این روشها در حال افزایش است (اوه و سان، ۲۰۰۸؛ دوی و همکاران، ۲۰۱۷). از سوی دیگر، روشهای ژئوفیزیکی نیز معایبی دارند. این روشها مستقیم هستند و تفسیر نتایج آنها پیچیده است یا به پشتیبانی دادههای ژئوتکنیکی تکمیلی نیاز دارد. علاوه بر این، با افزایش عمق نفوذ، دقت آنها کاهش می یابد و نوفه بر نتایج تأثیر منفی می گذارد (لوک و همکاران، ۲۰۱۳؛ گوئیریئو و همکاران، ۲۰۱۷).

امروزه روشهای ژئوفیزیکی مختلفی در شناسایی زمین لغزش ها مانند شکست لرزهای، انعکاس لرزهای، اندازه گیری نوفه محیط، رادار نفوذی زمین، بررسیهای الكترومغناطيسي و تومو گرافي مقاومت الكتريكي (ERT) استفاده میشود. در بین روشهای ژئوفیزیکی، ERT برای بررسی زمین لغزش بسیار کارآمد است. اندازه گیریهای ERT شامل تجهیزات کموزن (برخلاف دیگر تجهیزات خسته کننده) می شود که کار را در زمین لغزش و مناطق دور آسان میکند. این روش بر اساس اندازه گیریهای مقاومت الکتریکی است (گراندژان و همکاران، ۲۰۱۱؛ کاپیزی و مارتورانا، ۲۰۱۴؛ مریت و همکاران، ۲۰۱۴؛ لينگ و همکاران، ۲۰۱۶؛ يانه و همکاران، ۲۰۱۷؛ اولمان و همکاران، ۲۰۱۸). اندازه گیری های یک بعدی (I-D) دارای محدودیتهایی هستند و معمولاً تغییرات افقی مقاومت الكتريكي زيرسطحي را نشان نميدهند. بررسیهای دوبعدی (2-D) بهدرستی تغییرات عمودی و

بارندگیهای محلی میتوانند باعث کاهش اصطکاک سطح لغزش شوند و مواد متخلخل را از آب اشباع نمایند. از نظر الکتریکی بی هنجاری های مقاومت ویژه کم ممکن است به دلیل محتوای زیاد املاح در سیال منفذی، وجود رس، دانه ریز بودن ذرات و یا ترکیبی از این عوامل باشند. بر این اساس قبل از گسیختگی زمین می توان مناطق مستعد گسیختگی را با روش های تومو گرافی مشخص کرد.

در این گونه از مناطق ایران کاربرد روش مقاومت ویژه الکتریکی در بررسی زمین لغزش ها یکی از متداول ترین روش ها به لحاظ دقت و سرعت می باشد (اجل لوئیان و همکاران، ۱۳۸۸). زمین لغزش ها در دو حالت قابل بررسی همکاران، ۱۳۸۸). زمین لغزش ها در دو حالت قابل بررسی لعزش در مناطقی است که زمینه وقوع این پدیده در آن ها وجود داشته باشد و در حالت دوم منظور از انجام مطالعات اندازه گیری مقاومت ویژه بررسی و تخمین ابعاد توده لغزنده پس از وقوع زمین لغزش می باشد. در هر دو حالت مبانی نظری روش هایی که بکار گرفته می شود یکسان است.

۲. موقعیت جغرافیایی و زمین شناسی منطقه موردمطالعه محدوده موردمطالعه مناطق لغزشی لنگار و تلمادره واقع در جاده کیاسر –سمنان در محدوده جنوب استان مازندران قرار می گیرد. شکل ۱ موقعیت جغرافیایی و راههای دسترسی به منطقه موردمطالعه را نشان می دهد. با توجه به شکل ۲ بر گرفته از بر گه زمین شناسی ۲۰۰۰۰۰۰ کیاسر محدوده موردمطالعه زمین لغزش تلمادره مشتمل بر سنگ مکدوده موردمطالعه زمین لغزش تلمادره مشتمل بر سنگ مشتمل بر سنگ ماسه، شیل، سنگ آهک (سازند درود) می باشد. شیب لایه ها در منطقه به سمت شمال – شمال غرب می باشد. وقوع این زمین لغزش ها در چندین سال بعد از بهره برداری از جاده، حاکی از دخالت عامل دیگری نیز

هست. به احتمال زیاد افزایش بارندگی شدید یا افزایش سربار جاده وقوع این حادثه را فراهم ساخته و با توجه به بالا بودن آسیبپذیری منطقه و نداشتن تکیهگاه، بخشی از دامنه دچار زمین لغزش شده است. زمین لغزش لنگار در واحد سنگی pd (سازند درود) رخ داده است. این واحد سنگی شامل ماسهسنگ، شیل، سنگ آهک و کوارتزیت است. سن این واحد کربونیفر-پرمین است (آقانباتی، ۱۳۸۳). امتداد لایهبندی شمالشرق-جنوبغرب و جهت شیب لایهبندی به سمت شمالغرب است. زمین لغزش تلمادره در واحد سنگی Re3 (سازند الیکا) قرار گرفته است. سنگهای تریاس پایینی-میانی البرز، ردیفهای کربناتی آهکی–دولومیتی به نام «سازند الیکا» هستند که بُرش الگوی آن را کلاوس (۱۹۶۴) در دره نور و در ۵ کیلومتری پایین دست روستای الیکا، به ضخامت ۲۹۵ متر، مطالعه و معرفی کرده است (آقانباتی،۱۳۸۳). در محل بُرش الكو و ساير نقاط البرز، بخش پاييني سازند اليكا، ضخامتی متغیر از سنگآهکهای نازکلایه و آهکهای مارنی است که کمی مارن و یا میانلایههای نازک دولومیت دارد. لایهبندی نازک، رنگ متمایل به خاکستری روشن، فراوانی ساختهای کرممانند از ویژگیهای بخش پایینی سازند الیکا است که شناسایی و تفکیک آن را از دولومیتهای ضخیم لایه بخش بالایی فراهم میسازد. بخش بالایی سازند الیکا، در همه جا، کربناتهای دولومیتی-آهکی، ضخیم لایه، روشن رنگ و متراکم به ضخامتهای متفاوت (تا ۱۰۰۰ متر) هستند؛ که سیمای برجسته و کوهساز دارند و به «دولومیتهای الیکا» معروفاند. به جز سنگوارههای میکروسکوپی ناچیز، دولومیتهای الیکا سنگواره شاخص ندارند ولی معرف سنگهای تریاس میانی البرز هستند. با این وجود، در برخى نقاط البرز (شهميرزاد)، لايه هاى بازيسين دولومیت الیکا میکروفسیل،های آشکوب کارنین (آغاز ترياس پسين) دارند (آقانباتي، ١٣٨٣).



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی و راههای دسترسی به منطقه موردمطالعه.



شکل ۲. نقشه زمینشناسی منطقه موردمطالعه؛ اقتباس از برگه ۱:۱۰۰۰۰ کیاسر (برگرفته از پایگاه ملی دادههای علوم زمین کشور به نشانی الکترونیکی: www.ngdir.ir).

اثر این زمین لغزش در حدود ۲۰ الی ۳۰ متر از جاده ارتباطی کیاسر-سمنان دچار فرورفتگی و در نتیجه تعمیر شده است. همان طور که در تصویر ماهوارهای (شکل ۵) دیده می شود زمین لغزش باعث ایجاد ریزش در پایین دست جاده شده است. عرض این زمین لغزش حدود ۳۰ متر می باشد.

طی بازدیدهای صحرایی (شکل ۳) که در روز یکشنبه به تاریخ ۹۴/۰۶/۰۸ و روز پنجشنبه به تاریخ ۹۴/۰۷/۱۶ از محل زمین لغزش ها در دو نقطه در جاده کیاسر-سمنان واقع در مناطق لنگار و تلمادره صورت گرفت، بر اساس هدف مطالعه و شرایط منطقه تصمیم گرفته شد از تومو گرافی الکتریکی و سونداژ مقاومت ویژه الکتریکی به منظور تعیین سطح گسیختگی و در صورت امکان تعیین عمق سنگ بستر استفاده شود. ۳. مشاهدات صحرایی و طراحی عملیات برداشت داده زمین لغزش لنگار در جاده کیاسر-سمنان واقع در منطقه لنگار در استان مازندران در طول جغرافیایی ۲۰ ۳۶ ۵۳ و عرض جغرافیایی ۳۰ ۱۳ ۳۶ به وقوع پیوسته است. در اثر این زمین لغزش در حدود ۳۰۰ متر از جاده ارتباطی کیاسر-سمنان به کلی تخریب شد. در شکل ۳ نمایی از موجی شدن زمین و روان شدگی در پایین دست جاده قدیمی قابل مشاهده است. تصویر ماهوارهای (شکل ۴) نیز نشان می دهد زمین لغزش باعث تخریب جاده قدیمی شده و به ناچار جاده جدیدی توسط اداره راه و شهرسازی استان مازندران احداث شده است.

زمین لغزش تلمادره نیز در جاده کیاسر-سمنان واقع در منطقه تلمادره استان مازندران در طول جغرافیایی ۳۸ ۴۱ ۵۳ و عرض جغرافیایی ۱۴۵۹ ۳۶ به وقوع پیوسته است. در



(الف)



(ب)

شکل ۳. زمین لغزش لنگار: (الف) تصویر جاده قدیمی از نزدیک؛ (ب) نمایی از موجی شدن زمین و روان شدگی در پایین دست جاده قدیمی.



(و)

شکل ٤. زمین لغزش تلمادره: (الف) محل برداشت پروفیل AB، (ب) محل برداشت پروفیل CD؛ زمین لغزش لنگار: (ج) محل برداشت پروفیل AB، (د) محل برداشت پروفیل CD، (ه) محل برداشت پروفیل EF، (و) محل برداشت پروفیل GH.

> در این مطالعه، برداشتهای ژئوالکتریکی به روشهای توموگرافی الکتریکی و سونداژ الکتریکی قائم در محدودههای لغزشی لنگار و تلمادره در جاده کیاسر-سمنان انجام شد. مطالعات میدانی شامل بازدید اولیه، تعیین موقعیت پروفیلها و امکانسنجی انجام مطالعات و دادهبرداری ژئوالکتریک میباشد. موقعیت پروفیلها و گمانههای الکتریکی (سونداژ) مطابق تصاویر ۵ و ۶ برای قطبی و برای ۱۱ نقطه به روش آرایش متقارن شلومبرژر طراحی و برداشت شد. موقعیت پروفیلها و گمانههای الکتریکی و اندازه آنها به گونهای طراحی شد که با وجود

(。)

محدودیت حتی الامکان گستره توده لغزشی با دقت نسبتاً خوب موردمطالعه قرار گیرد و سطح لغزش آن محاسبه شود. بهطوری که در تمامی برداشتها گسترشهای الکترودی در جهت عمود بر شیب توپو گرافی زمین لغزش انتخاب شدهاند تا جریان بهطور یکنواخت و بدون تأثیر توپو گرافی به درون زمین نفوذ کند (حفیظی و همکاران، ۱۳۸۹).

در این مطالعه آرایه دوقطبی-دوقطبی به عنوان آرایه اصلی جهت پیمایش ژئوالکتریک به کار گرفته شد. مزیت این آرایه نسبت به سایر آرایه های ژئوالکتریک، قدرت تفکیک بالای آن در به تصویر کشیدن ساختارهای قائم از

جمله گسلخوردگی و سطوح گسیختگی (مانند سطح زمین لغزش) می باشد (داهلین و بینگ، ۲۰۰۱). پژوهش صورت گرفته توسط زو و همکاران (۲۰۰۲) نشان میدهد که از بین سه آرایه شلومبرژه، دوقطبی-دوقطبی و ونر، آرایه دوقطبی-دوقطبی به نحو بهتری در شناسایی زونهای گسلی و سطوح گسیختگی مؤثر میباشد. در این آرایه متداولترین حالت، قرار گرفتن الکترودها در یک امتداد است، یعنی چهار الکترود بر یک خط روی زمین نصب می شوند. در آرایه دوقطبی–دوقطبی دو پارامتر a و n مطرح است که a فاصله الکترودی و عدد n برابر با نسبت فاصله الكترودهاي داخلي جريان و پتانسيل به فاصله دوقطبی پتانسیل یا دوقطبی جریان در دو طرف آرایه می باشد. در عملیات صحرائی الکترودهای جریان (C1 و C2) ثابت بوده و الکترودهای پتانسیل (P1 و P2) با فواصل ثابت (a) نسبت به یکدیگر قرار گرفته و با جابجایی الکترودهای یتانسیل به اندازه n*a، مقاومت ویژه اندازه گیری می شود. در مرحله بعد با رسیدن الکترودهای یتانسیل به آخرین نقطهای که مورد نظر است.

اندازه گیری ها با جابجایی الکترودهای جریان بهاندازه a دوباره به همان شکلی که توضیح داده شده مشابه حالت اول تکرار می شود. ضریب n بستگی به طول پروفیل دارد و با افزایش طول پروفیل این ضریب افزایش یافته است.

علاوه بر آرایه دوقطبی -دوقطبی از آرایه قطبی -قطبی نیز در برداشت داده در پروفیل های CD زمین لغزش ها استفاده شد. در این آرایه یکی از الکترودهای جریان (C₂) و یکی از الکترودهای پتانسیل (P₂) در فاصله بینهایت (حداقل در فاصله ۵ برابری از الکترودهای C₁ و P₁ قرار داده می-شود. این آرایه به دلیل عمق نفوذ زیاد و سادگی برداشت نسبت به آرایه دوقطبی -دوقطبی در مناطقی که توپو گرافی نسبت به آرایه دوقطبی -دوقطبی در مناطقی که توپو گرافی میدهد. پروفیل های برداشت شده در حالت دوبعدی به وسیله نرمافزار Res2Div مدلسازی شدهاند. مختصات نقاط ابتدا و انتهای پروفیل ها و سونداژهای الکتریکی در زمین لغزش لنگار در جدول ۲ و پلان و موقعیت محل سونداژها در شکل ۵ ارائه شده است.

Name	X (UTM)	Y (UTM)		
А	TAS .VTTAIT	5.11075		
В	3. VTT 101	٤٠١١٥٠٤		
С	rgS .vrrvvi	٤.١١٤٥٤		
D	3. VTT71.0	2.11282		
Е	rqS.vrtair	٤.١١٣٧.		
F	3. VTT787	٤.١١٣٢٥		
G	3. VTTA. 1	2.11792		
Н	3. VTT 111	5.11779		
S1_AB	MAS.VMMVET	٤.1101.		
S2_AB	rqS.vrrvrq	٤٠١١٥٠٣		
S3_AB	3. VTTV11	٤.110		
S1_EF	MAS.VMMVMA	5.11322		
S2_EF	ras .vrrvto	٤٠١١٣٤٣		
S3_EF	TAS .VTTVIT	٤•١١٣٣٨		
S1_GH	ras .vrrvev	2.11772		
S2_GH	ras .vrrvrv	2.1170		
S3_GH	ras .vrrvto	5.11772		

جدول ۲. مختصات جغرافیایی پروفیلها و محل گمانههای الکتریکی در زمینلغزش لنگار (اندازهگیری با استفاده از GPS صورت گرفته است).



شکل ۵. نقشه ماهوارهای منطقه زمینلغزش لنگار و موقعیت پروفیلها و سونداژهای تهیه شده، پروفیل EF ،AB و GH با آرایه دوقطبی-دوقطبی و CD با آرایه قطبی-قطبی برداشت شده است.

در جدول (۳) مختصات ابتدا و انتهای پروفیلها و محل برداشت سونداژهای الکتریکی برداشت شده در زمین لغزش تلمادره مشخص شده است. در ضمن محل این مختصات در تصویر ماهوارهای (شکل ۶) نشان داده شده است.

در این تحقیق دادههای تومو گرافی مقاومت الکتریکی توسط دستگاه ARES ساخت شرکت GF Instrument برداشت شدند. در برداشت دادهها سعی شد تا دادهها با دقت و کیفیت بالا و میزان خطای کم در هر بار اندازه گیری برداشت شوند تا تفسیرهای نهایی دارای اعتبار بالایی باشند. این دستگاه با باطری ۱۲ ولت کار می کند و قابلیت ارسال جریان حداکثر تا ۲/۰ آمپر با توان ۳۰۰ وات را داراست و دارای قابلیت حمل آسان است. یکی از عوامل مهم در روند مطالعات مقاومت ویژه الکتریکی کیفیت دادههای میدانی است. معمولاً دادههای با کیفیت خوب یک تغییر صاف از مقادیر مقاومت ظاهری در شبه مقطع را نشان میدهد. برای گرفتن یک مدل خوب،

دادهها از کیفیت پایین تری برخوردار باشند در برداشت داده نقاط داده بد به راحتی بهعنوان نقاط برجسته ظاهر می شوند. این نقاط داده بد می تواند به دلیل خرابی رلهها در یکی از الکترودها، تماس ضعیف با زمين الكترود به دليل زمين خشك، شنى يا سنگلاخي، اتصال الكترودها به كانكتورهاي اشتباه، يا اتصال كوتاه بین کابلها به دلیل خیس بودن زمین باشد. با مقادیر مقاومت ظاهري بهطور غيرمعمول بالا يا پايين، چندين كار وجود دارد که می توان انجام داد. در این گونه موارد می توان با رفع مشکل، برداشت دوباره در آن نقطه انجام گرفته سپس داده جدید جایگزین داده قبلی جایگزین شود. راهکار دوم استفاده از عامل میرایی بزرگځتر مىباشد چون يک عامل ميرايى بزرگځتر تمايل به تولید دارد مدلهای نرمتر با ساختار کمتر و در نتیجه وضوح ضعيفتر دارند. در اين مطالعه با توجه به اينكه موارد خیلی کمی با پرش داده مواجه شدیم که با بررسی و رفع مشکل برداشت دوباره انجام داده و داده جدید جايگزين شد.

Name	X (UTM)	Y (UTM)
А	395 · VET · 71	٤.10.٣١
В	395 · VE 1997	٤٠١٥٠٥٧
С	395 · VET · 75	٤٠١٥٠٦٥
D	495 · VET · M	٤•١٥٠٧٥
S1_AB	298 . VET. 70	٤٠١٥٠٤٩
S2_AB	398 . VET . TV	٤٠١٥٠٥٢

جدول ۳. مختصات جغرافیایی پروفیل ها و محل گمانه های الکتریکی در زمین لغزش تلمادره (اندازه گیری با استفاده از GPS صورت گرفته است).



شکل ۲. نقشه ماهوارهای منطقه زمینلغزش تلمادره و موقعیت پروفیلها و سونداژهای تهیه شده، پروفیل AB با آرایه دوقطبی-دوقطبی و CD با آرایه قطبی-قطبی برداشت شده است.

۲. روش شناسی تومو گرافی الکتریکی یک روش برداشت بهینه بوده که بهمنظور افزایش دقت و نیز بهبود قدرت تفکیک عمقی (قائم) و جانبی (افقی) در شناسایی اهداف زیرزمینی است (لوک، ۲۰۰۴). این روش را میتوان در دو بخش طراحی شبکه و چگونگی برداشت دادهها و نیز مدلسازی دادههای برداشت شده مورد بررسی قرار داد (لوک و بارکر، ۱۹۹۶). توموگرافی به معنی تشخیص توده بی هنجاری در زیر یک سطح میباشد. توموگرافی در واقع روشی است که میتوان با آن گسترش فضایی یک خاصیت را از راه عبور یک جریان الکتریکی در همان

فضا تعیین کرد، بنابراین اولین مرحله توموگرافی الکتریکی، فرستادن یک جریان الکتریکی به درون زمین و اندازه گیری پاسخ زمین به این جریان است که معمولاً بر حسب ولتاژ اندازه گیری می شود. برداشتهای متداول توموگرافی الکتریکی به دو نوع دوبعدی (2D) و سهبعدی (3D) خلاصه می شوند. برداشتهای دوبعدی به دلیل هزینه و زمان برداشت کمتر، به بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است (لوک، مرحله مهم دیگر در این روش مدل سازی است که به دو

صورت مدلسازی مستقیم (پیشرو) و مدلسازی معکوس

(وارونه) انجام می گیرد. مدلسازی مستقیم بر مبنای آزمون و خطا با مدل های زمینی دوبعدی با استفاده از روش اجزاء محدود یا تفاضل محدود صورت می پذیرد. مدل اولیه در این نوع از مدل سازی سلیقه ای بوده و بسته به تبحر و تجربه کارشناس ژئوفیزیک بهبود می یابد. در روش معکوس سازی بر خلاف مدل سازی مستقیم با استفاده از داده های بهدست آمده، مدل زمین تخمین زده می شود و روشی پر کاربردتر و مرسوم تر در بررسی های ژئوفیزیکی است. در مدل سازی معکوس در ابتدا به یک مدل فرضی اولیه برای انجام مدل سازی نیاز است (لوک، ۲۰۰۴). برای بهبود بخشیدن به مدل اولیه دو روش معمول کمترین مربعات گوس – نیوتن و روش شبه نیوتن مورد استفاده قرار می گیرد.

در نرمافزار Res2Dinv برای وارونسازی از دو روش معمول کمترین مربعات شامل گوس-نیوتن (لوک، ۲۰۰۱) و روش شبه نیوتن (لوک و بارکر، ۱۹۹۶) استفاده میشود. در روش گوس –نیوتن برای بهبود بخشیدن به مدل اولیه از رابطه زیر استفاده میشود:

$$(J^T J + \lambda I) \Delta q_k = J^T g \tag{1}$$

در رابطه بالا p بردار پارامتری مدل شامل لگاریتم مقاومت ویژه، g بردار تفاضلی شامل تفاضل لگاریتم مقادیر مقاومت ویژه ظاهری اندازه گیری شده و محاسباتی، Δq بردار اغتشاش پارامترهای مدل، *I* ماتریس همانی، λ عامل میرایی، *I* ماتریس ژاکوبین مشتقات جزئی و در نهایت J^T ترانهاده ماتریس ژاکوبین مشتقات جزئی است. در روش گوس-نیوتن ماتریس ژاکوبین در هر تکرار باید محاسبه شود. این عمل باعث افزایش میزان محاسبات و زمانبر شدن مدلسازی میشود (لوک، ۲۰۰۴). روش های شبه نیوتن از محاسبه دوباره ماتریس ژاکوبین با استفاده از یک روش بهروزرسانی اجتناب میکنند. این روش برای تکرارهای بعدی، ماتریس ژاکوبین را ارزیابی میکند. اگر ماتریس ژاکوبین *oI*برای مدل اولیه در اولین تکرار موجود

یک مدل زمین همگن بهعنوان مدل اولیه، محاسبه شوند. با توجه به اینکه محدوده مطالعه و تعداد دادههای برداشت شده در اندازهای نیست که محاسبه دوباره ماتریس ژاکوبین باعث زمانبر شدن مدلسازی شود بنابراین وارونسازی در این مطالعه از طریق بهنگامسازی ماتریس ژاکوبین در هر تکرار جهت افزایش دقت مدلسازی استفاده می شود.

۸. بحث و بررسی نتایج حاصل از توموگرافی (ERT)
و سونداژ الکتریکی (VES)
۸-۱. زمین لغزش لنگار
۸-۱. زمین لغزش از دو آرایه دوقطبی – دوقطبی و قطبی –
در این زمین لغزش از دو آرایه دوقطبی – دوقطبی و قطبی –
قطبی برای توموگرافی الکتریکی و همچنین از آرایه شلومبرژه برای سونداژ الکتریکی قائم استفاده شده است.
و ۹ نقطه با سونداژ الکتریکی قائم در طول این پروفیل ها در محل زمین لغزش لنگار کار شد که با وارون سازی این داده ها له آورده شده است.
آورده شده است. پارامترهای برداشت پروفیل و سونداژها در زمین لغزش های لنگار کار شد که در این بخش از مقاله زمین لغرش های لنگار و تلمادره به مورت اجمالی در جدول ۴ آورده شده است.

با مشاهده شبه مقطع و مقطع حاصل از مدلسازی پروفیل حاصل از سونداژ الکتریکی میتوان دریافت که تغییرات مقاومت ویژه در محل پروفیل یک بعدی نیست و باید مدلسازی آن به صورت دوبعدی صورت گیرد؛ بنابراین تغییر نوع رسوبات و وجود ناپیوستگی در پروفیل ها در مقاطع حاصل از مدلسازی در نرمافزار Res2Dinv به صورت دقیق تر قابل بررسی است. از آنجا که مدل سازی این پروفیل در نرمافزار Res2Dinv نیز با اعمال تصحیحات توپو گرافی انجام شده است، تفسیر نهایی در این مقاله روی مدل Res2Dinv که از دقت بیشتری برخوردار است، صورت می پذیرد. مدل وارون مقاومت ویژه در نرمافزار IPI2win فقط جهت مقایسه و نمایش یک مدل کلی ارائه شده است.

زمين لغزش لنگار								
مشخصات سونداژها	نوع آرایه در برداشت دوبعدی	فاصله الكترودها	طول پروفيل	پروفيل				
سه سونداژ S1، S2 و S3 به فاصله ۱۰ متر از یکدیگر	دو قطبی-دو قطبی	٥ متر	۱۷۵ متر	پروفيل AB				
	قطبى قطبى	۲ متر	۹۰ متر	پروفيل CD				
سه سونداژ S1، S2 و S3 به فاصله ۱۵ متر از یکدیگر	دو قطبی-دو قطبی	٥ متر	۱۷۵ متر	پروفيل EF				
سه سونداژ S1، S2 و S3 به فاصله ۱۵ متر از یکدیگر	دو قطبی-دو قطبی	٥ متر	۱۱۰ متر	پروفيل GH				
زمين لغزش تلمادره								
مشخصات سونداژها	نوع آرایه در برداشت دوبعدی	فاصله الكترودها	طول پروفيل	پروفيل				
سونداژ S1 و S2 به فاصله ۱۵ متر از هم	دو قطبی- دو قطبی	٥ متر	۷۰ متر	پروفيل AB				
	قطبی- قطبی	۲ متر	۲٤ متر	پروفيل CD				

جدول ٤. پارامترهای برداشتهای دوبعدی و سونداژها در زمین لغزش لنگار و تلمادره.

که در شکل (۷) نشان داده شده است به احتمال زیاد سنگ بستر از حدود ۱۵ متری در طرفین پروفیل تا ۲۵ متری در مرکز پروفیل شروع می شود. با توجه به اینکه محل به صورت دره U شکل بوده و جهت شیب به سمت مرکز می باشد بنابراین افزایش رسوب و عمق بستر در مرکز نسبت به طرفین منطقی می باشد.

محل انتخاب سونداژها بر اساس محدودیت طول پروفیل و توپو گرافی و پوشش گیاهی منطقه صورت گرفت به طوری که مرکز پروفیل به عنوان سونداژ مرکزی و فاصله ۱۵ متری از سونداژ مرکز به عنوان محل دو سونداژ دیگر انتخاب شد. با توجه به عدم تطابق مقطع تومو گرافی و نتایج حاصل از تفسیر داده های سونداژ 2^S در این پروفیل، این مسئله می تواند ناشی از عدم انتخاب نامناسب جایگاه سونداژها بنا به دلایلی که بالا ذکر شد اتفاق افتاده باشد. با توجه به اینکه مدل وارون مقاومت ویژه حاصل از داده های سونداژ الکتریکی در نرمافزار IPI2win فقط جهت مقایسه و نمایش یک مدل کلی ارائه شده است تفسیر نهایی بر اساس نتایج حاصل از تومو گرافی می باشد.

این پروفیل به طول ۱۱۰ متر با فواصل الکترودی ۵ تا ۳۵ متر (با ضریب ۵) به روش دوقطبی-دوقطبی در پایین جاده جدید اجرا شد. نقاطی که با رنگ آبی در این مقطع مشخص هستند نشانگر رس اشباع هستند (شکل ۶). تا عمق ۵ متری مخلوطی از رس و شن و ماسه اشباع وجود دارد که با مقاومت ویژه الکتریکی ۲۰ تا ۱۰۰ اهممتر مشخص شده است. پايين تر از اين لايه رس اشباع شروع می شود و تا عمق ۱۲ متری در مرکز پروفیل ادامه دارد دوباره لایه شن و ماسه اشباع از آب شروع می شود که با مقاومت ویژه بالاتر از ۵۰ اهممتر تا ۱۵۰ اهممتر مشخص شده است به احتمال زیاد سطح جدایش رس اشباع با شن و ماسه متراکم در عمق حدود ۱۲ متری در مرکز پروفیل بهعنوان سطح گسیختگی زمین لغزش میباشد. با توجه به شواهد موجود سنگ بستر به احتمال زیاد پایین تر از رس و ماسه اشباع قرار داشته باشد که به دلیل کوتاه بودن طول پروفیل امکان دادهبرداری از اعماق زیرین نبوده است. با مقایسه نتایج حاصل از توموگرافی و نتایج بهدست آمده از سونداژ الکتریکی در سه نقطه ۴۵، ۵۵ و ۶۵ متری پروفیل



شکل ۷. الف) مقطع وارون سازی شده به روش وارونسازی کمترین مربعات پروفیل GH. مقیاس رنگی مقاومت ویژه خطی را نشان میدهد مقیاس فاصله قائم بر حسب ارتفاع نسبی است. ب) سوناژ الکتریکی پروفیل GH، بالا: شبه مقطع ژئوالکتریکی؛ پایین: مقطع ژئوالکتریکی.

اشباع با شن و ماسه اشباع بهعنوان سطح گسیختگی زمین لغزش می باشد. با توجه به شواهد موجود سنگ بستر به احتمال زیاد پایین تر از رس و ماسه اشباع قرار داشته باشد که به دلیل کوتاه بودن طول پروفیل امکان داده برداری از اعماق زیرین نبوده است. با توجه به نتایج بهدست آمده از سونداژ الکتریکی در سه نقطه ۷۵، ۹۰ و ۱۰۵ متری پروفیل و تحلیل آن با استفاده از نرم افزار مرکز پروفیل بیشتر از ۴۰ متر می باشد. عمق سنگ بستر در طرفین پروفیل کمتر از مرکز آن می باشد (شکل ۸). EF ... شرح مقطع ژئوالکتریکی پروفیل.

این پروفیل به طول ۱۷۵ متر فواصل الکترودی ۵ تا ۵۵ متر (با ضریب ۵) به روش دوقطبی-دوقطبی در بالای جاده قدیمی اجرا شد (شکل ۸). نقاطی که با رنگ آبی در این مقطع مشخص هستند نشانگر رس اشباع هستند. پایین تر از رس اشباع منطقه گذر از رس اشباع به شن و ماسه شروع میشود که با مقاومت ویژه الکتریکی حدود ۲۰ تا ۵۰ اهم متر مشخص است سپس شن و ماسه اشباع از آب شروع می شود که با مقاومت ویژه بالاتر از ۵۰ اهم متر مشخص شده است به احتمال زیاد سطح جدایش رس



شکل ۸ الف) مقطع وارون سازی شده به روش وارونسازی کمترین مربعات پروفیل EF. مقیاس رنگی مقاومت ویژه خطی را نشان میدهد مقیاس فاصله قائم بر حسب ارتفاع نسبی است. ب) سونداژ الکتریکی پروفیل EF، بالا: شبه مقطع ژئوالکتریکی؛ پایین: مقطع ژئوالکتریکی.

و ماسه متراکم تشکیل میشود و با مقاومت ویژه الکتریکی حدود ۱۰۰ الی ۲۵۰ اهممتری در شکل ۹ مشخص است که در محدوده مقاومت ویژه الکتریکی ذکر شده برای شن و ماسه اشباع قرار میگیرد. پایین تر از آن مخلوط شن و ماسه و رس اشباع میباشد که با مقاومت ویژه الکتریکی حدود ۵۰ اهممتر مشخص است. لایه سوم رس اشباع میباشد که از عمق ۲۰ متری تا ۴۰ که از عمق ۴۰ متری شروع و تا ۲۰ متری ادامه دارد. لایه بعدی سنگ بستر میباشد. با توجه به اینکه ضخامت لایههای خاکریزی جاده قدیم در محل پروفیل CD حدود ۸ الی ۱۰ متر میباشد سنگ بستر در حدود ۵۰ الی ۶۰ متری از کف جاده قدیمی شروع میشود.

CD ... شرح مقطع ژئوالکتریکی پروفیل CD این پروفیل به طول ۹۰ متر در شیب شمالی خاکریز جاده قدیمی با روش قطبی-قطبی به اجرا در آمد. تنها لایههای خاکریزی جاده قدیمی حدود ۱۰ متر میباشد که نمونهبرداری با آرایه دوقطبی-دوقطبی به دلیل عمق نفوذ کم با توجه به محدودیت گسترش طولی پروفیل (حداکثر تا ۱۵ متر) هیچ نتیجهای را به دنبال نداشت؛ بنابراین به دلیل عمق نفوذ بالا یک پروفیل را به روش قطبی-قطبی دادهبرداری نمودیم تا به عمق سنگ بستر در منطقه موردمطالعه پی ببریم. البته دقت و حساسیت پایین این آرایه از معایب آن میباشد. بیشترین عمق لایههای خاکریزی در مرکز پروفیل دیده میشود که حدود ۱۰ متر میباشد. لایههای خاکریزی در جادهسازی معمولاً از شن



شکل ۹. مقطع وارونسازی شده به روش وارونسازی کمترین مربعات پروفیل CD. مقیاس رنگی مقاومت ویژه خطی را نشان میدهد مقیاس فاصله قائم بر حسب ارتفاع نسبی است.

نقطه ۷۵، ۹۰ و ۱۰۵ متری پروفیل و تحلیل آن با استفاده از نرمافزار IPI2win می توان نتیجه گرفت که عمق سنگ بستر در مرکز پروفیل بیشتر از ۴۰ متر می باشد. عمق سنگ بستر در طرفین پروفیل کمتر از مرکز آن می باشد (شکل .۱۰).

٥-٢. زمينلغزش تلمادره

در این زمین لغزش از آرایه دوقطبی-دوقطبی و قطبی-قطبی برای تومو گرافی الکتریکی و همچنین از آرایه شلومبرژه برای سونداژ الکتریکی قائم استفاده شده است. در نهایت تعداد ۲ پروفیل به روش تومو گرافی الکتریکی و ۲ نقطه به روش سونداژ الکتریکی قائم در محل زمین لغزش تلمادره کار شد که با وارون سازی این داده ها ۳ مقطع به دست آمد که در این بخش از گزارش آورده شده است.

AB . شرح مقطع ژئوالکتریکی پروفیل **AB** این پروفیل به طول ۷۰ متر با فواصل الکترودی ۵، ۱۰، ۱۵ و ۲۰ متر (با ضریب ۵) در محل زمین لغزش تلمادره در شانه جاده با آرایه دوقطبی – دوقطبی برداشت شد (شکل ۱۰). بر اساس این پروفیل عمق سنگ بستر بر روی جاده از حداقل ۵ متر در بین ۴۵ تا ۵۰ متر تا حداکثر ۸ متری در محل ۲۵ متر شروع می شود. این مقطع دارای دو سونداژ می باشد که به دلیل شرایط زمین شناسی و محدودیت، فاصله سونداژها ۱۵ متر از هم تعیین شد. نتایج

AB۴-۱-۵. شرح مقطع ژئوالکتریکی پروفیل این پروفیل به طول ۱۷۵ متر با فواصل الکترودی ۵، ۱۰، ۱۵ و ۲۰ متر (با ضریب ۵) در پایین جاده قدیمی به روش دوقطبی-دوقطبی دادهبرداری شد. همان طور که از شکل ۹ مشخص است مرکز يروفيل محل انباشت رس مي باشد. رس اشباع با مقاومت الکتریکی پایین تر از ۲۰ اهممتر از که با رنگ آبی از بقیه جدا شده است بهخوبی قابل تشخيص است. در سمت چپ پروفيل بعد از يک لايه یک متری خاک کشاورزی شن و ماسه شروع میشود که دارای مقاومت ویژه الکتریکی بالای ۵۰ اهممتر میباشد. در سمت راست پروفیل نیز از عمق ۲ متری سطح زمین سنگ بستر شروع میشود که دارای مقاومت ویژه الکتریکی بالای ۵۰۰ اهممتر میباشد و حتی تا ۲۵۰۰ اهم-متر نیز میرسد. در مرکز پروفیل تا عمق ۲۵ متری رس اشباع وجود دارد. در مقایسه با پروفیل های قبلی می توان حدس زد لایه بعدی شن و ماسه اشباع میباشد. با توجه به شیب لایه شن و ماسه در سمت چپ و راست پروفیل، این لایه در مرکز از حدود ۳۰ متری شروع می شود. عمق سنگ بستر از تاج زمین لغزش (بالای جاده جدید

(جنوب)) به سمت پایین پاشنه زمین لغزش (شمال) افزایش می یابد که این مسئله می تواند ناشی از افزایش عمق رسوبات آواری با افزایش عمق و شیب به سمت دره باشد. سطح گسیختگی زمین لغزش به احتمال زیاد سطح جدایش رس اشباع با شن و ماسه متراکم مرطوب باشد. با توجه به نتایج بهدست آمده از سونداژ الکتریکی در سه بهدست آمده از سونداژ الکتریکی نیز نشان میدهد در ۴۵ دارد (شکل ۱۱). نتایج بهدست آمده از توموگرافی و متری سنگ بستر در حدود دو متری قرار دارد در حالی که سونداژ الکتریکی بر هم منطبق هستند و همدیگر را تائید در ۳۰ متری (مرکز زمین لغزش) در حدود ۸ متری قرار میکنند.



شکل ۱۰. الف) مقطع وارون سازی شده به روش وارونسازی کمترین مربعات پروفیل AB. مقیاس رنگی مقاومت ویژه خطی را نشان میدهد مقیاس فاصله قائم بر حسب ارتفاع نسبی است. ب) سونداژ الکتریکی پروفیل AB، بالا: شبه مقطع ژئوالکتریکی؛ پایین: مقطع



شکل ۱۱. الف) مقطع وارون سازی شده به روش وارونسازی کمترین مربعات پروفیل AB. مقیاس رنگی مقاومت ویژه خطی را نشان میدهد مقیاس فاصله قائم بر حسب ارتفاع نسبی است. ب) سونداژ الکتریکی پروفیل AB، بالا: شبه مقطع ژئوالکتریکی؛ پایین: مقطع ژئوالکتریکی.

0-۲-۲. شرح مقطع ژئوالکتریکی پروفیل CD این پروفیل به طول ۲۴ متر در حدود ۸ متر پایین تر از جاده و در محل شیب خاکریز لغزشی جاده با آرایه قطبی -قطبی برداشت شد. نقاط با مقاومت ویژه الکتریکی بالا در عمق های نزدیک سطح زمین به احتمال زیاد قطعات جدا شده از سنگ بستر باشد. بر اساس این پروفیل سنگ بستر به احتمال زیاد در حدود ۲۰ متر پایین تر از خط تراز جاده قرار داشته باشد و آن را می توان به عنوان مرز گسیختگی در نظر گرفت (شکل ۱۲).

٦. نتیجهگیری

مطالعه حاضر به منظور بررسی زمین لغزش های لنگار و تلمادره رخداده در جاده کیاسر-سمنان انجام شده است. در این مطالعه در مجموع تعداد ۶ پروفیل به روش تومو گرافی الکتریکی (۴ پروفیل برای زمین لغزش لنگار و ۲ پروفیل برای زمین لغزش تلمادره) با آرایه های دوقطبی-دوقطبی و قطبی-قطبی و ۱۱ سونداژ الکتریکی قائم با آرایه شلومبرژه در راستای ۴ پروفیل ذکر شده در محدوده دو زمین لغزش طراحی و اجرا شد. در مرحله بعد داده های مقاومت ویژه با استفاده از نرمافزارهای تخصصی دوبعدی و تکبعدی شدند. با توجه به اینکه روش ژئوالکتریک به مانند روش های دیگر ژئوفیزیکی به عنوان مکمل در کنار سایر روش ها مانند اطلاعات زمین شناسی دقیق محل و لاگ چاه ها و اطلاعات حفاری بکار می رود





شکل ۱۲. مقطع وارونسازی شده به روش وارونسازی کمترین مربعات پروفیل CD. مقیاس رنگی مقاومت ویژه خطی را نشان میدهد. مقیاس فاصله قائم بر حسب ارتفاع نسبی است.

بهطوریکه احتمالا سطح گسیختگی از حدود ۱۲ متر در مرکز پروفیل GH شروع و با ۱۵ متر در مرکز EF ادامه و در مرکز AB به حدود ۲۵ متر میرسد. عمق و توپوگرافی سطح لغزش در همه مقاطع تعیین و بیان شده است. با توجه به U شکل بودن محل و افزایش عمق رسوبات در مرکز، بیشترین عمق سطح لغزش و سنگ بستر را در مرکز دره شاهد هستیم بهطوریکه هرچه قدر به سمت طرفین پیش میرویم عمق گسیختگی و سنگ بستر کاهش پیدا می کند. در زمین لغزش تلمادره در محل شانه جنوبی جاده عمق سنگ بستر از حداقل ۲ متر در مرکز زمین لغزش شروع و به حدود ۶ الی ۸ متری میرسد بهطوری که سطح جدایش بین توده رس و شن و ماسه اشباع با سنگ بستر سطح گسیختگی زمین لغزش می-باشد. در این محل عمق گسیختگی در مرکز زمین لغزش از سطح جاده حدود ۸ متر میباشد. با توجه به شیبدار بودن دامنه کوه این عمق در پایین جاده و در محل پروفیل CD به حدود ۲۰ متر از سطح جاده میرسد.

تشكر وقدرداني

Italy).

بدينوسيله نگارندگان بر خود لازم ميدانند كه analysis and electrical resistivity tomography for investigating the Picerno landslide southern

region,

(Basilicata

- Geomorphology, 133, 34-46. Devi, A., Israil, M., Anbalagan, R., & Gupta, PK. (2017). Subsurface soil characterization using geoelectrical and geotechnical investigations at a bridge site in Uttarakhand Himalayan region. J Appl Geophys, 144, 78-85.
- Fressard, M, Maquaire, O., Thiery, Y., Davidson, R., & Lissak, C. (2016), Multimethod characterisation of an active landslide: case study in the pays d'Auge plateau (Normandy, France). Geomorphology, 270, 22–39.
- Grandjean, G., Gourry, J.C., Sanchez, O., Bitri, A., & Garambois, S. (2011). Structural study of the Ballandaz landslide (French alps) using geophysical imagery. J Appl Geophys, 75(3), 531-542.
- Guerriero, L., Bertello, L., Cardozo, N., Berti, M., Grelle, G., & Revellino, P. (2017). Unsteady sediment discharge in earth flows: a case study from the mount Pizzuto earth flow, southern Italy. Geomorphology, 295, 260-284.

از آزمایشگاه فنی و مکانبک خاک استان مازندران و استان آذربایجانشرقی به خاطر تسهیل و همکاری در انجام برداشتهای صحرایی قدردانی و تشکر نمايند.

منابع

آقانباتی، س. ع. (۱۳۸۳). زمین شناسی ایران، انتشارات سازمان زمين شناسي و اكتشافات معدني كشور.

اجل لوئیان، ر.، دادخواه، ر. و حسین میرزایی، ز. (۱۳۸۸). کاربرد زمین شناسی مهندسی در تونل ها، انتشارات فر هىختگان علوي. حفيظي، م. ک.، عباسي، ب. و اشتري تلخستاني، ا. (۱۳۸۹). بررسی زمین لغزش گردنه صائین اردبیل به منظور تامين ايمني راه با روش تومو گرافي الكتريكي دوبعدی و سه بعدی. مجله فیزیک زمین و فضا، .11-11 (1)79 درویش زاده، ع. (۱۳۸۵). زمین شناسی ایران، چینه شناسی، تکتونیک، دگرگونی و ماگماتیسم، انتشارات

امير کبير.

- Bruno, F., & Marillier, F. (2000). Test of highresolution seismic reflection and other geophysical techniques on the Boup landslide in the Swiss Alps. Surv. Geophys, 21, 333-348.
- Capizzi, P., & Martorana, R. (2014). Integration of constrained electrical and seismic tomographies to study the landslide affecting the cathedral of Agrigento. J Geophys Eng, 11(4), 045009.
- Choobbasti, A.J., Rezaei, S., & Farrokhzad, F. (2013). Evaluation of site response characteristics using microtremors. Gradev, 65, 731–741.
- Cruden D.M., & Varnes D. J. (1996). Landslide types and processes. In: Turner A.K.; Shuster R.L. Landslides: Investigation and Mitigation. Transport. Res. Bd. Spec. Rep, 247, 36-75.
- Dahlin, T., & Bing, Z. (2001). A numerical comparison of 2D resistivity imaging with eight electrode arrays, Department of Geotechnology, Lund University, Box.118, S-221 00, lund, Sweden.
- De Bari, C., Lapenna, V., Perrone, A., Puglisi, C., & Sdao, F. (2011). Digital photogrammetric

- Hack, R. (2000), Geophysics for slope stability, Surveys in Geophysics, 21(4), 423-448.
- Jongmans, D., & Garambois, S. (2007). Geophysical investigation of landslides: a review, Bulletin de la Société géologique de France, 178(2), 101-112.
- Kawabata, D., & Bandibas, J. (2009). Landslide susceptibility mapping using geological data, a DEM from ASTER images and an Artificial Neural Network (ANN). *Geomorphology*, 113, 97–109.
- Kolay, P.K., Burra, S.G., & Kumar, S. (2018). Effect of salt and NAPL on elec trical resistivity of fine-grained soil-sand mixtures. *Int J Geotech Eng*, 12(1), 13–19.
- Lapenna, V., Lorenzo, P., Perrone, A., Piscitelli, S., Rizzo, E., & Sdao, F. (2005). D electrical resistivity imaging of some complex landslides in Lucanian Apennine chain, southern Italy, *Geophysics*, 70(3), B11-B18.
- Ling, C., Xu, Q., Zhang, Q., Ran, J., & Lv, H. (2016). Application of electrical resistivity tomography for investigating the internal structure of a translational landslide and characterizing its groundwater circulation (Kualiangzi landslide, Southwest China). J Appl Geophys, 131, 154–162.
- Loke, M.H., & Barker, R.D. (1996). Rapid leastsquares inversion of apparent resistivity pseudosections by a quasi-Newton method, *Geophys Prospect*, 44(1), 131–152.
- Loke, M.H. (2004). Tutorial: 2-D and 3-D electrical imaging surveys. Geotomo software, Penang, Malaysia.
- Loke, M.H., Chambers, J.E., Rucker, D.F., Kuras, O., & Wilkinson, P.B. (2013). Recent developments in the direct-current geoelectrical imaging method. J Appl Geophys, 95, 135–156.
- Loke, M.H. (2001). Electrical imaging surveys for environmental and engineering studies, A Practical Guide to 2-D and 3-D Surveys: RES2DINV Manual, IRIS Instruments, www.iris-instrument.com.
- McCann, D., & Forster, A. (1990). Reconnaissance geophysical methods in landslide investigations, *Engineering Geology*, 29(1), 59-78.
- Merritt, A.J., Chambers, J.E., Murphy, W., Wilkinson, P.B., West, L.J., Gunn, D.A., Meldrum, P.I., Kirkahm, M., & Dixon, N. (2014). 3D ground model development for an active landslide in Lias mudrocks using geophysical, remote sensing and geotechnical methods. *Landslides*, 11, 537–550.
- Oh, S., & Sun., C.G. (2008). Combined analysis of electrical resistivity and geotechnical SPT blow counts for the safety assessment of fill dam. *Environ Geol*, 54, 31–42.

- Patella, D. (1997). Introduction to ground surface self-potential tomography, *Geophys. Prospect*, 45, 653–681.
- Perrone, A., Iannuzzi, A., Lapenna, V., Lorenzo, P., Piscitelli, S., Rizzo, E., & Sdao, F. (2004). High-resolution electrical imaging of the Varco d'Izzo earthflow (southern Italy). *Journal of Applied Geophysics*, 56, 17-29.
- Perrone, A., Zeni, G., Piscitelli, S., Pepe, A., Loperte, A., Lapenna, V., & Lanari, R.(2006). Joint analysis of SAR interferometry and electrical resistivity tomography surveys for investigating ground deformation: the casestudy of Satriano di Lucania (Potenza, Italy). *Eng. Geol.* 88, 260-273.
- Perrone, A., Lapenna, V., & Piscitelli, S., (2014). Electrical resistivity tomography technique for landslide investigation: a review. *Earth-Sci Rev*, 135, 65–82.
- Rezaei, S., & Choobbasti, A.J. (2017). Application of microtremor measurements to a site effect study. *Earthq Sci.* https://doi.org/10.1007/s11589-017-0187-2.
- Rezaei, S., Choobbasti, A.J., Soleimani, & Kutanaei, S. (2015). Site effect assessment using microtremor measurement, equivalent linear method and artificial neural network (case study: Babol, Iran). Arab J Geosci, 8, 1453–1466.
- Rezaei, S., Shooshpasha, I., & Rezaei, H. (2018). Evaluation of landslides using ambient noise measurements (case study: Nargeschal landslide). Int J of Geotech Eng, https://doi.org/10.1080/19386362.2018.14313 54.
- Uhlemann, S., Wilkinson, P.B., Maurer, H., Wagner, F.M., Johnson, T.C., & Chambers, J.E. (2018). Optimized survey design for electrical resistivity tomography: combined optimization of measurement configuration and electrode placement. *Geophys J Int*, https://doi.org/10. 1093/gji/ggy128
- Varnes, D.J. (1978). Slope movement types and processes, in R.L. Schuster and R.J. Krizek (eds.), Landslides: Analysis and Control, Nat'l. Res. Council, Wash., D.C., Transport. Res. Bd. Spec. Rep, 176, 11-33.
- www.ngdir.ir.
- Zhou, W., Beck, B. F., & Adams, A. L.(2002). Effective electrode array in mapping karst hazards in electrical resistivity tomography. *Environmental Geology*, 42, 922-928.
- Yannah, M., Martens, K., Van Camp M., & Walraevens, K. (2017). Geophysical exploration of an old dumpsite in the perspective of enhanced landfill mining in Kermt area, *Belgium. B Eng Geol Eenviron*. https:// doi.org/10.1007/s10064-017-1169-2.